

نگاه تحلیگر

اشتباه محاسباتی نکیم



رضا رئیس‌ی

روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی

تهاجم بزرگ‌ترین سازه و ساختار لجستیک نظامی جهان بامیدان داری و همراهی دشمن غدار صهیونیستی که مدعی بر خورداری از جایگاه پنجمین ارتش قدرتمند جهان را داشت، یکی از نقاط عطف تاریخ معاصر ایران را رقم زده و صحنه‌هایی در حافظه تاریخی ملت ایران ثبت و ضبط کرد که شاید هیچ ناظر بیرونی و تحلیلگر داخلی انتظار خلق چنین عظمت و بزرگی از یک ملت تحت آماج فشارها، مضایق و تحت حملات و تبلیغات منفی در عرصه و سپهرهای مختلف طی چند دهه اخیر را نداشت. آنچه ایران را در همه ادوار تاریخی از تمامی پیچ‌های سخت و چالش‌های سترگ به سلامت گذرانده، حس همگرایی، اتحاد و همبستگی مردمانی است که به‌عنوان یک ملت منسجم، بر خوردار از هویت و تاریخ مشترک، فراتر از هر گزینه و گزاره‌ای، زندگی در هر شرایط و موقعیتی را فراتر از هر صحنه‌آرایی بلد هستند و در برابر هر تلاطمی این انسجام هویتی خود را به‌عنوان سلاح دفاعی بسط و تعمیم می‌دهند. در جنگ ۱۲ روزه تحمیلی نیز، مهمترین وجه و بالاترین معیار، قوام و استحکام و نصرت ملی مردمان ایران، بروز و ظهور همین حس همنوایی و همدلی و همراهی لایه‌های مختلف و متکثر جامعه در برابر تهدیدات دشمن خارجی بود که پرچم اقتدار و غرور ملی ایرانیان را بر تارک جهان به اهتزاز درآورد. آنچه که دشمن صهیونیستی را ابراق و طماع به‌دست‌اندازی عریان نسبت به منافع ملی ایران و تمامیت ارضی و کیان ملی کشور کرد، عدم شناخت از مردمانی بود که در طول تاریخ خود نشان داده‌اند فارغ از هر گرایش و نگرشی، آنگاه که پای حراست از هویت ملی و تمامیت ارضی کشور در میان باشد، پای کار می‌آیند و بر خلاف تمامی انتظارات و تبلیغات چندهم‌ای و صحنه‌آرایی و جنگ روانی و پروپاگاندای رسانه‌ای در قالب یدواحد در برابر دشمن خارجی صفا‌آرایی می‌کنند.

حال اما در این ارتباط، حفظ هوشیاری و بسط و تحکیم و تعمیم این ظرفیت بی‌مثال و غیرقابل جایگزین، یک ضرورت ویژه و تعیین‌کننده است؛ به‌خصوص که تجربه نشان داده، دشمن صهیونیستی بیکار نمی‌نشیند و مترصد ضربه‌زنی به کشور با ایجاد رخنه در سد مقاومت ملی است.

با شهادت سردار سلیمانی که از منظر عموم ایرانیان فارغ از هر گرایش و نگرش سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، به‌عنوان یک قهرمان ملی شناخته می‌شد و مراسم تشییع پیکر او، تبدیل به نماد همبستگی و اتحاد ملی شده بود بغنوعی می‌توانست تا دهه‌ها کشور را در برابر دشمنان مصون و ایمن سازند؛ اما یک اشتباه و خطا و غفلت، باعث شد که دشمن با تبلیغات و صحنه‌آرایی، آن جو مثال‌زدنی از همگرایی ملی را مخدوش کرده و صحنه را دچار اغوجاج و آذنان عمومی را دچار تشویش کند و بعد از اتفاقات اخیر نیز بعید نیست که از هر فضا و روزه‌ای درصد خدشه بر جو مثبت ایجادشده باشند. در دیگر سو، برخی تربیون‌داران و شماری از شخصیت‌های سیاسی طی چند روز گذشته دچار عارضه همیشگی افراط و تفریط شده و به نحوی سخن می‌گویند که گویی همه‌چیز تمام شده و چون افشار مختلف و متکثر جامعه در برابر دشمن خارجی پای کار ایران و انقلاب و نظام و کشور یکدل و یک‌زبان ایستادند، کار تمام‌شده است و چک سفید امضا صادر شده و این هماهنگی و همدلی را به پای گفت‌وگو و روایت خاص خود در حوزه‌های سیاست خارجی و داخلی می‌ریزند و در آن قرار می‌گیرند. حال آنکه برعکس است و همه مسئولان و طیف‌های مختلف باید از این سنگ تمام مردم برای کشور و نظام، به‌رغم همه کاستی‌ها و مخاطرات درس بگیرند و به بازنگری و تصحیح رفتارهای غلط خود بپردازند و توجه داشته‌باشند که بالاترین مولفه ارتقایبخش ضریب امنیت ملی فراتر از هر گزینه و گزاره‌ای، ارتقای حس همدات‌پنداری میان مردم و حاکمیت است که توسط مردم گام‌بزرگ در یک بزن‌گاه حساس برداشته شده و اکنون نوبت مسئولان و حاکمان است. خویش‌های افراطی و تفریطی از هویت و عقبه ملی، مذهبی که یکی را بر دیگری راجح قرار داده و آنان را نه موید و همراه و دوپال تمئن‌ساز فرهنگ ایرانی، می‌بیند و می‌داند، یکی از بلاهای مهلکی است که حس کنونی همبستگی و انسجام ملی را دچار تهدید و تعاش می‌کند.

از طرف دیگر، ایجاد دوقطبی‌های کاذب و خویش‌های تندروانه و شکاف‌ساز میان میدان و دیپلماسی و نفی یکی برای ارتقای دیگری هم از مواردی است که باید در برابر آن حفظ هوشیاری داشت، آنچه اهمیت ذاتی و بنیادین دارد، تلاقی میدان و دیپلماسی در مسیر منافع ملی است که آخرین نمونه آن نیز در جنگ اخیر رقم خورد و میدان و دیپلماسی موید هم، فتح و پیروزی به ار مغان آوردند و هیچ‌یک از این شاخه‌ها فی‌الذاته دچار اصالت کارکردی نیستند، مگر در راستای پیشبرد منافع ملی. به هر تقدیر، باید در همه ابعاد با توجه به شرایط ویژه رخ‌داده با حفظ هوشیاری کامل عمل کرد تا بتوانیم توفیقات به دست آمده را بسط و تعمیم دهیم و با جبران صدمات و اشتباهات و خطاهای رخ‌نموده در پیوست جنگ رخ‌داده، کشور را از پیچ‌های صعب و سخت گذر دهیم که بخش عمده آن، برآمده از عدم اشتباه محاسباتی نسبت به ملت ایران و اتفاقات رخ داده است که دشمن خارجی از همین زاویه بزرگ‌ترین ضربه تاریخی خود را متحمل شد.

مراجعه کردند اما دادستان و معاون اول او در دادسرا حاضر نبودند. همچنین هیچ کس اطلاعی از شرایط زندانیان در اختیار خانواده آنها نگذاشت و در واکنش به شکوائیه و اعتراض خانواده‌ها از نحوه انتقال زندانیان سیاسی، علت را رعایت پروتکل‌های امنیتی اعلام کردند. شرایط نامناسبی که خانواده‌های زندانیان سیاسی از آن می‌گویند باعث شده که آنها برای اخذ مرخصی عزیزانشان از زندان تلاش کنند. حسین رزاقی نیز در اعتراض به شرایط نامناسب زندان اعلام کرده دست به تحصن و اعتصاب غذا می‌زند. نگرانی‌ها درباره شرایط نامناسب آنهایی که در جنگ از ایران پشتیبانی کرده و از زندان با بیانیه‌هایشان در مقابل اسرائیل و آمریکا ایستادند، فرونی یافته و برخی از فعالان سیاسی و تحلیل‌گران میانه‌رو معتقدند که آنها باید آزاد شوند و جاسوسان و نفوذی‌ها جای آنها به زندان بروند.

❖ خبرهای خوبی از زندان به گوش نمی‌رسد

هوشنگ پوربابایی، وکیل مصطفی تاجزاده در باره انتقال زندانیان به هم‌میهن گفت: «آقای تاجزاده پیش از شروع جنگ مرتب با من تماس داشت و ملاقات داشتیم. بعد از جنگ و به دلیل اتفاقی که در زندان اوین افتاد ظاهرآ به دلیل مسائل امنیتی زندانیان را شبانه‌به‌زندان تهران بزرگ منتقل کردند.» او افزود: «با توجه به انتقال زندانیان اوین و ظرفیت زندان تهران بزرگ، این زندان شرایط لازم را ندارد. سازمان زندانیان باید قبول کند که زندان تهران بزرگ اساساً استانداردهای زندان اوین را ندارد. قبل از انتقال نیز مسائل بهداشتی، امکانات رفاهی زندان اوین مواردی که طبق مقررات سازمان زندان‌ها پیش‌بینی شده بود، در زندان تهران وجود نداشت اما با توجه به انتقال بسیاری از زندانیان اوین و حجم زیاد زندانی، زندان تهران بزرگ با محدودیت جا و امکانات، سرویس‌های بهداشتی، تخت، ملاقات، تلفن، فضای هواخوری و تمام امکاناتی که یک زندانی برابر قانون باید از آن برخوردار باشد، روبه‌رو شد، چرا که این امکانات وجود ندارد.»

پوربابایی با اشاره به اینکه من (به عنوان وکیل) و خانواده آقای تاجزاده مراجعاتی به دادستانی داشتیم، تاکید کرد: «امکاناتی هم در این خصوص صورت گرفته است. متأسفانه مراکز قضایی جواب درخوری که حداقل خاطر خانواده‌ها مطمئن شود که زندانیان به شرایط و امکانات لازم دسترسی دارند را نداده‌اند و آنها امکانات لازم را ندارند. ضمن آنکه احتمال بروز بیماری ناشی از عدم رعایت بهداشتی، آلودگی هوا و درگیری‌های زیاد وجود دارد. با توجه به شرایط نابسامانی، در شرایط خوف‌ور جا به‌سر می‌بریم که زندانی‌ها تا چه‌زمان در زندان تهران بزرگ می‌مانند، چه زمانی به زندان اوین بر می‌گردند و چرا دادستان تهران در این شرایط فوق‌العاده حداقل نسبت به کسانی که نهادهای قانون ارفاقی بر آنها بار می‌شود و امکان دارد با گرفتن وثیقه یا تعهد، به مرخصی بروند، تصمیمی نمی‌گیرند تا درد دیگری بر درهای جامعه و سازمان زندان‌ها، قوه قضائیه و به‌ویژه خانواده‌ها بار نشود. این عدم تصمیم‌گیری محل تأمل است.»

وکیل تاجزاده با اشاره به اینکه تردیدی نیست خبرهای خوبی از سوی زندانیان به وکلا و خانواده‌ها داده نمی‌شود، گفت: «عمدتاً خبرها ناشی از نبود امکانات در زندان بزرگ است. استانداردهای کافی و لازم پیش از انتقال زندانیان اوین به زندان تهران بزرگ هم وجود نداشت و الان شرایط به مراتب بدتر شده است، طبیعی است قوه قضائیه باید با قضاات مجرب و دادیاران متخصص تصمیم بگیرند که زندان اوین را آماده کرده و زندانیان را به اوین برگردانند. اصرار بر اینکه در این شرایط خانواده بعضی از زندانیان را نگران کنند و حتماً آنها را در معرض خطر جدید قرار دهند (که ممکن است جبران‌ناپذیر باشد) دوری کنند.»

پوربابایی در پاسخ به این سوال که زندانیانی که از اوین منتقل شدند با زندانیان تهران بزرگ یکجا نگهداری می‌شوند؟ تاکید کرد: «پیش از انتقال زندانیان اوین در تمام پندهای زندان تهران بزرگ، زندانی وجود داشته است. طبیعی است که زندانیان اوین در پندهایی که آنها حضور داشتند، پذیرش شدند. بنده‌ای برای جدا شدن زندانیان اوین وجود نداشته و شرایط طوری است که زندانیان حتی از مواد غذایی خوبی بر خوردار نیستند چون یخچال و امکانات درستی برای آنها پیش‌بینی نشده است.»

حمله به زندان اوین، نه تنها به لحاظ نظامی بلکه از نظر حقوقی، روانی و اجتماعی پیامدهای گسترده‌ای به جا گذاشته است. در حالی که برخی از تحلیل‌ها این حمله را بخشی از پروژه تسویه حساب‌های اطلاعاتی اسرائیل می‌دانند، خانواده قربانیان همچنان در شوک و سوگو به سر می‌برند و خانواده‌های زندانیان در بیم و هراس.

هسته‌ای ایران سر باز می‌زند، انتظار پایبندی کشورهای عضو به قوانین این آژانس دور از منطق است، تصریح کرد: «تمام فعالیت‌های هسته‌ای ایران تحت نظارت بازسان آژانس بوده و دوربین‌های نظارتی آن در مراکز هسته‌ای ما فعال بوده است، با این حال پس از خرابکاری‌های متعدد رژیم صهیونیستی در این مراکز، آمریکا نیز اقدام به حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای ما کرد و در نهایت ناپاوری، آژانس انرژی اتمی به جای محکومیت، این اقدامات خطرناک ضد بشری و غیرقانونی را توجیه کرد، آیا جی‌اچ‌اِی این رفتار آژانس را منطقی می‌داند؟!»

رئیس جمهور با طرح این پرسش که چرا رژیم اسرائیل که عضو NPT نیست و در تمام این سال‌ها بر خلاف تمام قوانین موجود بین‌المللی عمل کرده، باید مرجع و مبنای گزارشات آژانس انرژی اتمی باشد؟ افزود: «این رفتارهای دوگانه مشکلات بسیاری برای امنیت منطقه و جهان ایجاد کرده و انتظار این است که آژانس انرژی اتمی ضمن رعایت حقوق کشورها و پرهیز از رفتارهای دوگانه، از حق و حقوق کشورها، عضو نیز دفاع کند.»

امانوئل مک‌رون نیز محورهای گفت‌وگوی خود و پرنسکیان را در شبکه ایکس (توییتر) منتشر کرد. او نوشت: «من در این تماس گفت‌م که ایران باید به میز مذاکره بازگردد تا مسائل هسته‌ای و بالستیک مورد بررسی قرار بگیرند و در عین حال بر احترام به آتش‌بس تاکید کردم. ما بر لزوم از سرگیری سریع فعالیت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ایران برای تضمین شفافیت کامل تاکید می‌کنیم. در تماس تلفنی با رئیس جمهور ایران، بر لزوم احترام به آتش‌بس برای برقراری صلح و بازگشت به مذاکرات تاکید کردم. من حفظ چارچوب پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و از سرگیری سریع کار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ایران را برجسته کردم. من در روزهای آینده به تلاش برای دستیابی به این اهداف ادامه خواهم داد.» رئیس‌جمهور فرانسه در این مکالمه همچنین درخواست آزادی دو تبعه فرانسوی بازداشت‌شده در ایران و حفاظت از اتباع و امکان دیپلماتیک این کشور را نیز درخواست کرد.

محمدرضا ثقفی

تداوم گرد و خاک در نواحی مستعد کشور



عکس نوشت

خائن بودن ربطی به ملیت ندارد

درباره نفرت افکنی علیه افغانستانی‌ها

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

«نیاز» رفیقم بود. پیاز رفاقت‌مان اول بار وقتی کونه کرد که صلاة ظهر یک روز سرد پاییزی حیران و سرگردان دم خانه‌ام نشسته بود. نشسته بود و زار زار گریه می‌کرد. لباس سبز پاکبان شهرداری رنگ و روفته‌ای به تن داشت و کفش کتونی آدیداسی که از سر خستگی شبیه صندل شده بود پاهای از سرما سرخش را گرفته بود. یک دستش جارو بود و دست دیگرش گوشی موبایل سامسونگی که ۷ درصد شارژ داشت. دخترش در کابل زیر عمل قلب باز بود و موبایل فروش نامرد دولا و پهن‌ا «وی‌پی‌ان» قلابی برایش نصب کرده و به امان خدا رهپیش کرده بود. خودش می‌گفت از وقتی از موبایل فروشی بیرون آمده بالای هزار بار روی دکمه فیلترشکن زده بلکه وصل شود، بلکه بتواند به زنش زنگ بزند و از حال جگرگوشه‌اش باخبر شود. آن روز نیاز به زنش زنگ زد. در پیچه آنورت دخترش را دکنترها تعویض کرده بودند و هنوز از ریکواری بیرون نیامده بود. من آن روز کار خاصی برای نیاز نکردم. از توی جیبم گوشی‌ام را بیرون آوردم. فیلترشکنم را روشن کردم. با پیش شماره ۰۰۹۳ تماس گرفتم و گوشی را به نیاز دادم. نیاز اشک می‌ریخت و قربان صدقه می‌رفت و حال دخترش را پرسان می‌شد. از فردای آن روز سرد نیاز شد رفیقم. رفیقی که جارو به دست جلوی خانه‌ام می‌ایستاد و هر برگی که از درخت می‌افتاد را جارو می‌کرد تا به خانه برسم. دستی بدهیم. خسته نباشیدش بگیریم و برود به خوابگاهش. از یک روز دیگر نیاز نیامد. این بار نوبت من بود که مثل مرغ پر کنده پرسان احوالش شوم. شدم. شدم و فهمیدم رد مرز شده و حسرت دست دادن هرروزه‌اش را روی دلم گذاشته و رفته. حالا دیگر درخت جلوی خانه‌ام تابستان هم برگ‌هایش می‌ریزد.

مدتی است بعد از جنگ دوازده‌روزه و تهدیدهای امنیتی که کشورمان را توی دردرس انداخته عده‌ای دوره افتاده‌اند و دیوار کوتاه افغانستانی‌ها را پ پیدا کرده‌اند و راه و نیم‌راه از این دیوار بالا می‌روند. من خبرنگارم. به حکم خبرنگار بودن نمی‌توانم بیخود و بی‌جهت و از روی احساس حرف بزنم. اما قبل از اینکه خبرنگار باشم یک انسانم. انسانیت حکم می‌کند با همه انسان‌ها با احترام و مدارا رفتار کنم. افغانستانی‌ها همسایه‌های عزیز ما هستند. صدی نودشان آدم حساسی و زحمت‌کشند. اصلاً عمری با ایران روی دوش آنها بوده. مگر لیست مشاغلی که افغانستانی‌ها مجاز به انجام آن کارها بودند را یادتان رفته؟ آنها سال‌های سال سخت‌ترین و سنگین‌ترین بارهای این مملکت را با اندک‌مزدی برداشته‌اند. اگر قاچاقی و پیاده و شوتی به ایران آمدند نه به این خاطر بود که از نشستن در هوایما و سفر با عزت درکی نداشته‌اند. آنها از سر استیصال و درماندگی مجبور به ترک وطن‌شان شده‌اند. آمده‌اند با جان و دل کار کنند و نان حلال جمع کنند و برای خانواده‌شان بفرستند. زندگی سختی که هیچ‌کدام از شما که پشت‌گوشی‌هایتان نشسته‌اید و علیه‌شان هجمه‌درست می‌کنید تصورش را هم نمی‌کنید. خائن و جاسوس بدو مضموم و نکبت است بر منکرش لعنت. اما خائن بودن ربطی به ملیت ندارد. مگر کم ایرانی خائن در همین یک‌ماه گذشته دیدیم. اگر افغانستانی‌ها غیرقانونی به ایران آمدند مشکل ما بوده. اگر کارهای سخت را روی کرده‌شان گذاشته‌ایم و قدرشان ندانستیم ما مقصریم. حرف آخر اینکه اگر قرار است آنها را به خانه‌شان برگردانیم با سلام و صلوات این کار را نکنید. حرمت‌شان را نگه دارید. نگاه بد به‌شان نکنید. هر وقت خواستید کسی را بابت ملیت‌اش جاسوس و خائن بشمارید یادتان باشد که ایرانی خائن هم داریم.



عکس: علی شریف‌زاده، ایرنا